سیاسی و به خصوص جریان اصلاحات نباید از این رسالت مهم غفلت کنند. هر چند در این زمینه غفلت شده است. رسالت مهم دیگر جریان‌های سیاسی کادرسازی و تربیت نیروهای کارآمد و متعهد است. کادرسازی جریان‌های سیاسی باید به شکلی باشد که اگر صندلی یک وزیر یا مدیر خالی شد چندین مدیر متخصص و متعهد تربیت کرده باشد که بلافاصله جای مدیر قبلی را بگیرند و عملکرد بهتری نیز داشته باشند.

**این اتفاق برای جریان اصلاحات رخ داده و این جریان عملکرد موفقی در کادرسازی و آگاهی بخشی نداشته است. این در حالی است که بیرون بودن از قدرت نیز مزید بر علت شده تا اصلاح طلبان بیش از گذشته به حاشیه بروند. در چنین شرایطی چگونه می‌توان کنش اصلاح‌طلبانه انجام داد؟**

یکی از مهم‌ترین اهداف جریان‌های سیاسی توزیع قدرت و مقابله با تمرکز قدرت است. در کشورهای توسعه یافته موضوع عدم تمرکز قدرت یکی از زیربناهای فکری این کشورهاست و در این زمینه مطالعات گسترده‌ای نیز صورت گرفته است. امروز در کشورهایی مانند نروژ، سوئد، فرانسه، آلمان و حتی کشورهای اروپای شرقی عدم تمرکز به عنوان یک اصل اساسی در همه سطوح جامعه پذیرفته شده است. عدم تمرکز نیز به دو بخش افقی و عمودی تقسیم بندی می‌شود. عدم تمرکز به صورت افقی به معنای این است که قدرت از رأس به بدنه انتقال پیدا کند. در این زمینه باید وزیران قدرت خود را به معاونت‌ها، مدیرکل‌ها و مدیر ادارات منتقل کنند و به آنها تفویض اختیار داده شود. از این رویکرد به عدم تمرکز ستادی نیز نام برده می‌شود. عدم تمرکز عمودی به معنای انتقال قدرت از «ستاد» به «صف» است. این مسأله باعث استقلال و پویایی بیشتر مدیران خواهد شد و از سوی دیگر فرصت بیشتری برای وزیران در جهت ایده پردازی و حرکت به جلو فراهم می‌کند. در شرایط کنونی برخی عنوان می‌کنند مردم نسبت به جریان اصلاحات ناامید و سرخورده شده‌اند. بنده مدت‌هاست روی دغدغه‌های مردم مطالعه می‌کنم و به صورت جدی پیگیر محتوای مطالبات و دغدغه‌های مردم هستم. این دغدغه‌ها نیز به دو بخش دغدغه‌های اقشار مختلف مردم و دغدغه‌های اقشار خاص مانند جوانان، ورزشکاران و هنرمندان تقسیم‌بندی می‌شود. در قبل از انقلاب اقشاری مانند ورزشکاران و هنرمندان دارای هویت مشخص و خط قرمزها مشخص بودند.

> یز به دو بخش افقی و
> م بندی می‌شود. عدم
> رت افقی به معنای این
> از رأس به بدنه انتقال
> ین زمینه باید وزیران
> ه معاونت‌ها، مدیرکل‌ها
> ن منتقل کنند و به آنها
> یار داده شود. از این
> م تمرکز ستادی نیز نام
> د. عدم تمرکز عمودی
> قال قدرت از «ستاد»
> ست. این مسأله باعث
> یایی بیشتر مدیران
> از سوی دیگر فرصت
> ی وزیران در جهت ایده
> ت به جلو فراهم می‌کند

این در حالی است که در دهه‌های گذشته این هویت‌ها از بین رفته است. جریان اصلاحات نیز یک جریان هویتی است. با این وجود ما تلاش نکردیم افرادی که هویت اصلاح طلبی دارند را سازماندهی کنیم و از آنها در جاهای مختلف کشور استفاده کنیم.

**آیا جریان اصلاحات به عنوان یک جریان هویتی در باز تولید مبانی خود و انطباق آن با مطالبات نسل جدید موفق عمل کرده است؟**

جریان اصلاحات باید از ابتدا مشخص می‌کرد که در چه نقطه‌ای قرار دارد و قرار است به چه نقطه‌ای حرکت کند. بنده معتقدم جریان اصلاحات در این زمینه غفلت کرده است. با این وجود یأس و ناامیدی مردم نسبت به جریان اصلاحات ریشه اساسی ندارد و امکان بازگشت امید به مردم به این جریان همچنان وجود دارد. برخی معتقد هستند برای این مسأله دیر شده است. بنده هم می‌پذیرم اما معتقدم «ماهی را هر وقت از آب بگیرید تازه است.» باید گذشته را جبران کرد و این فرصت همچنان وجود دارد. تجربه دولت اصلاحات پیش روی ماست. ریشه یأس و ناامیدی مردم نسبت به جریان اصلاحات به عدم ارائه برنامه و استراتژی به مردم برای مدیریت کشور بوده است. اگر عملکرد دولت اصلاحات در بین دولت‌های پس از انقلاب منفی بود جای یأس و ناامیدی وجود داشت. این در حالی است که در واقع دولت اصلاحات یکی از بهترین دولت‌های پس از انقلاب بوده است. امروز اگر از اقشار مختلف مردم درباره دولت اصلاحات سوال شود اغلب مردم از دولت اصلاحات و شرایط آن زمان به نیکی یاد می‌کنند. به عنوان مثال یکسان سازی قیمت ارز در دولت اصلاحات ایجاد شد. این در حالی است که این سیاست پس از دولت اصلاحات مورد بی‌توجهی قرار گرفت. دولت آقای احمدی نژاد به دنبال طرح‌هایی مانند هدفمندی یارانه‌ها بود که یک فاجعه اقتصادی برای کشور به شمار می‌رود. آقای خاتمی به وزرای کابینه تأکید موکد داشتند که تا زمانی که پروژه‌های عمرانی موجود به نتیجه نرسیده هیچ پروژه جدیدی را آغاز نکنید. این در حالی است که در دولت آقای احمدی نژاد هر روز شاهد کلید خوردن پروژه‌های مختلف بودیم. پروژه‌هایی که تنها کلنگ می‌خوردند اما به حال خود رها می‌شدند.

> باید گذشته را جبران کرد و این فرصت همچنان وجود دارد. تجربه دولت اصلاحات پیش روی ماست. ریشه یأس و ناامیدی مردم نسبت به جریان اصلاحات به عدم ارائه برنامه و استراتژی به مردم برای مدیریت کشور بوده است. اگر عملکرد دولت اصلاحات در بین دولت‌های پس از انقلاب منفی بود جای یأس و ناامیدی وجود داشت. این در حالی است که در واقع دولت اصلاحات یکی از بهترین دولت‌های پس از انقلاب بوده است. امروز اگر از اقشار مختلف مردم درباره دولت اصلاحات سوال شود اغلب مردم از دولت اصلاحات و شرایط آن زمان به نیکی یاد می‌کنند

**آیا جریان اصلاحات دچار جبر الیت گرایی و فضای بسته نخبه گرایی در تصمیم گیری‌ها نشد؟**

بنده این مسأله را قبول دارم و معتقدم جریان اصلاحات از سرمایه‌های خود به خوبی استفاده نکرد. با این وجود معتقدم کنار گذاشتن افراد شایسته و کارآمد از دهه ابتدایی انقلاب آغاز شد و تا به امروز نیز ادامه داشته است. بنده در زمانی که استاندار همدان بودم یک روز این مسأله را با آقای هاشمی که در آن زمان رئیس جمهور بودند مطرح کردم. بنده به ایشان گفتم جریانی وجود دارد که علیه مدیران سالم و متعهد پرونده سازی می‌کنند. در چنین فضایی افراد فرصت‌طلب و ناسالم قدرت مانور پیدا می‌کنند. آقای هاشمی نیز سخن بنده را تأیید کردند و عنوان کردند متأسفانه این اتفاق در کشور رخ می‌دهد. امروز جامعه با ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی مهمی مواجه شده است. البته شرایط امروز کشور با توجه به مخاطرات خارجی و چالش‌های داخلی ایجاب می‌کند که حاکمیت در برخی رویکردهای خود تجدیدنظر کنند. اگر این تجدیدنظر صورت نگیرد کشور از بحران به بن‌بست خواهد رسید. از بن بست نمی‌توان به راحتی خارج شد. مهم‌ترین پیامد این وضعیت تشدید فشار و تحریم‌های آمریکا علیه ایران خواهد بود که جامعه را با مخمصه‌های جدی اقتصادی مواجه می‌کند و در نتیجه میزان نارضایتی مردم افزایش پیدا خواهد کرد.

**همراه آقای نوری در صدا و سیما مستقر شدیم**

آقای نوری کمی مقاومت می‌کرد از این بابت که بنده تسلطی در این کار ندارم و نمی‌توانم بیایم. ولی ظاهرا گفته بود که اگر آقای عطریانفر آمادگی همکاری با من را داشته باشد، آنجا می‌آیم و کمک می‌کنم. آقای نوری اردیبهشت ماه ۵۹ با من مطرح کرد که آن وقت در برخی فعالیت‌های سیاسی اصفهان درگیر بودم و بسیار سخت بود که این همراهی را صورت بدهم. لیکن اصرار آقای نوری این بود که شما یکی دو سه هفته به من کمک کن و بعد اگر خواستی برگرد. پذیرفتم که با ایشان همکاری موقتی داشته باشم و به اتفاق ایشان به تهران آمدیم و در ورود به دفتر حضرت امام و خدمت حاج احمد آقا آمدیم و بعد هم خدمت حضرت امام رفتیم و ایشان توصیه‌هایی کردند و ما تحت تأثیر و تعلق خاطر و تمنایی که پیدا کرده بودم نسبت به انجام تعهداتی که امام دارد، همراه آقای نوری در صدا و سیما مستقر شدیم و بنده آن مسئولیت را عهده‌دار شدم. انتقال واقعیت‌ها و رعایت وحدت ملی و خواست مردم تعهداتی بود که تا آن تاریخ از نظر حضرت امام ایفا نشده و اتفاق نیفتاده بود. خیلی برای حضرت امام مهم بود که صدا و سیما به عنوان سکوی سخنگویی نظام واقعیت‌های انقلاب را خوب عرضه کند. صدا و سیما تکالیفی داشت که در جهت تقویت وحدت ملی کار کند. به هر حال ما مستقر و مایه تقویت آقای طارمی شدیم. البته بعد از مدت کوتاهی احساس شد یک دوگانگی در آنجا رخ می‌دهد و روند به سمتی رفت که به خصوص در شهریور ماه، که جنگ آغاز شده بود، نابسامانی‌هایی رخ داد که حس می‌کردیم اخبار جنگ باید مدیریت شده و مطالعه شده منتقل شود، و برخی از عزیزانی که در حوزه تبلیغات جنگ مسئولیت داشتند شاید از این فرصت دوگانه بهره‌برداری درستی صورت نمی‌دادند و برخی از ارجاعات و مراجعات خودشان را به آقای طارمی و برخی را هم به ما داشتند. این مایه نوعی اختلاف در عرصه اخبار جنگ شده بود و آن زمان مجبور شدیم یکپارچه‌سازی کنیم و در این مسیر بنا به یک اقدامی مسأله خدمت حضرت امام گزارش شد و تدبیر حضرت امام این شد که بار این مسئولیت را از دوش آقای طارمی بردارند و آقای نوری را به عنوان معاون سیاسی صدا و سیما منصوب کردند.

> انتقال واقعیت‌ها و رعایت وحدت ملی و خواست مردم تعهداتی بود که تا آن تاریخ از نظر حضرت امام ایفا نشده و اتفاق نیفتاده بود. خیلی برای حضرت امام مهم بود که صدا و سیما به عنوان سکوی سخنگویی نظام واقعیت‌های انقلاب را خوب عرضه کند. صدا و سیما تکالیفی داشت که در جهت تقویت وحدت ملی کار کند

آلبرت بغزیان:

# برنامه توسعه باید بر اساس توانایی‌ها نوشته شود

برنامه هفتم توسعه از سوی دولت به مجلس ارائه شد و حالا باید منتظر باشیم تا مجلس آن را بررسی کند اما با منتشرشدن متن آن برخی از کارشناسان گفته‌اند که اعداد و ارقام آن منطبق با واقعیت اقتصادی کشور نیست. یک اقتصاددان درباره این موضوع گفت: برنامه توسعه باید بر اساس توانایی‌ها نوشته شود. وقتی بناست برنامه‌هایی درباره کشاورزی، صنعت، واردات، صادرات و... اجرایی شود باید همزمان بگویند که قرار است چه قدم‌هایی برای اجرای آن برداشته شود. از طرفی باید برنامه توسعه‌ای نوشته شود که قابلیت تقسیم‌شدن آن به پنج‌برنامه یک ساله وجود داشته باشد که در واقع در بودجه‌بندی متبلور شود. آلبرت بغزیان اظهار داشت: اینکه گفته شود در پنج‌سال آینده باید فلان قدر نفت بفروشیم باید بر اساس واقعیت‌ها گفته شود. اکنون هنوز تحریم هستیم و مشخص نیست چه زمانی تحریم‌ها رفع شود؛ بنابراین به صورت انتزاعی نمی‌شود گفت که ما نفت را به فلان میزان می‌فروشیم در صورتی که این رقم در صورت رفع تحریم‌ها محقق می‌شود.»

این تحلیلگر مسائل اقتصادی همچنین بیان کرد: علاوه بر اینها معلوم نیست که اگر آقای رئیسی دولت بعدی را در اختیار نداشته باشد، دولت بعدی حاضر به اجرای این برنامه می‌شود یا نه؛ چنانکه مشاهده کرده‌ایم دولت‌هایی بودند که برنامه توسعه را کنار گذاشتند و صرفا بر اساس برنامه بودجه پیش رفتند اینکه اکنون مجلس اصرار بر نگارش برنامه توسعه دارد، عملا انرژی دولت و کمیسیون‌های مجلس را می‌گیرد برای برنامه‌ای که اجرایش مشرط به مسائلی است که هنوز محقق نشده است. بغزیان تصریح کرد: برنامه بودجه باید دقیق و قابل اجرا باشد.

اینکه می‌گویند ضریب جینی کاهش می‌یابد یا شش درصد رشد اقتصادی افزایش می‌یابد، باید پاسخ دهند که با چه ابزاری؟ شاید مدل اقتصادی کلانی در ذهن مسئولان هست و قرار است اجرا شود که ما اقتصاددان‌ها از آن بی‌خبریم؛ در غیر این صورت و باتوجه به واقعیت‌های موجود اجرای برنامه توسعه هفتم سخت است؛ به این معنی که بله در شرایط عادی اجرای این برنامه شدنی است اما فعلا آن شرایط عادی بر اقتصاد کشور وجود ندارد.»

قنادباشی:

# سفر وزیر خارجه عربستان به تهران آغاز مرحله مهمی در حیات کشور است

یک کارشناس مسائل خاورمیانه سفر وزیر خارجه عربستان به تهران را آغاز مرحله مهمی در حیات جمهوری اسلامی دانست و گفت: ما دو کشور مهم نفتی در جهان هستیم و امروز انرژی حرف اول را در دنیا می‌زند. همسویی ما کمک می‌کند تا بتوانیم حقوق خودمان را در عرصه نفت و گاز احقاق کنیم و دشمنان از تضاد ما برای کاهش قیمت این دو سوخت بهره‌برداری نکنند. این مسأله در شرایط جنگ انرژی بسیار اهمیت دارد.

جعفر قنادباشی در گفت‌وگو با جماران، با اشاره به سفر وزیر خارجه عربستان به تهران، گفت. به نظر من فارغ از همه دستاوردهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی این سفر اعلام قرار گرفتن ایران در جایگاهی است که شرایط منطقه‌ای ایجاب می‌کند کشورهای دیگر منطقه نسبت به ما یک نگاه متفاوتی پیدا کنند و نشانه تجدید نظر در سیاست‌هایی است که مسلما متأثر از سیاست‌های اصولی و درست است. این کارشناس مسائل خاورمیانه با تأکید بر اینکه این مسأله آغاز مرحله مهمی در حیات جمهوری اسلامی است، افزود: دستاوردهای راهبردی این سفر برمی‌گردد به اینکه ما راهبرد منطقه عاری از حضور خارجی‌ها را دنبال می‌کنیم. راهبرد دیگر ما منطقه عاری از تنش است. راهبرد سوم ما فراهم شدن زمینه‌ای است که ملت‌های اسلامی راحت بتوانند با همدیگر ارتباط داشته باشند و رفت و آمد کنند. ما همواره این سه راهبرد را دنبال کرده‌ایم، ولی در حال حاضر عربستان همراهی کرده و چون عربستان تأثیرات منطقه‌ای دارد باید منتظر باشیم برخی دیگر از کشورهای جهان عرب یا جهان اسلام هم تغییراتی در سیاست‌ها و تجدیدنظر در همسویی با دشمنان ما داشته باشند. وی در خصوص فواید اقتصادی این سفر تأکید کرد: ما دو کشور مهم نفتی در جهان هستیم و امروز انرژی حرف اول را در دنیا می‌زند. متأسفانه عربستان در چند سال گذشته با تشویق آمریکایی‌ها در قطب مخالف ما قرار گرفته بود؛ به گونه‌ای که در فشار حداکثری ترامپ که تلاش می‌کرد صادرات نفت ایران را به صفر برساند، عربستان وعده داد خلأ نفتی آن را پر کند. اما همسویی ما کمک می‌کند تا بتوانیم حقوق خودمان را در عرصه نفت و گاز احقاق کنیم و دشمنان از تضاد ما برای کاهش قیمت این دو سوخت بهره‌برداری نکنند. این مسأله در شرایط جنگ انرژی بسیار اهمیت دارد. قنادباشی با بیان اینکه اگر ما با هم باشیم، به وسیله نفت هم می‌توانیم سیاست‌های غرب را تنظیم کنیم، تصریح کرد: اگر اختلاف‌افکنی صورت نگیرد و عربستان سیاست کنونی را استمرار بدهد و سیاست‌های گذشته را به کلی کنار بگذارد، با درست عمل کردن در حوزه انرژی حتی می‌توانیم حرکت جهان به سمت چند قطبی را تسریع ببخشیم. مسأله بعدی این است که همواره اختلافات در اوپک سبب وارد شدن ضربه به کشورهای صادرکننده نفت می‌شد، اما زمانی که کنار هم باشیم طبیعتا نرخ بازارهای نفتی را ما تعیین می‌کنیم، نه مصرف کنندگان نفت؛ که متأسفانه تاکنون چنین بوده است. البته مشروط به این است که عربستان رویکرد جدیدش را به همه عرصه‌ها به خصوص عرصه‌های نفتی گسترش بدهد و این رویکرد جدید فقط در سطح دیپلماتیک و تعارفات دیپلماتیک باقی نماند.

وی با اشاره به اینکه ایران و عربستان در زمینه‌های مختلف اقتصادی می‌توانند سرمایه‌گذاری مشترک داشته باشند، تصریح کرد: علاوه و بر نفت و گاز، ما و کشورهای خلیج فارس تنها از طریق آبزیان می‌توانیم ثروتمند شویم. یعنی از نوع ماهیگیری و پرورش ماهی در خلیج فارس، گردشگری و حمل و نقل مسافر در سطح خلیج می‌توانیم توریست اسلامی بسیار پر رونقی راه بیندازیم که نیاز اتباع کشورها برای رفتن به نقاط دور را برطرف کند. این ظرفیتی است که تاکنون مغفول مانده است.

باید برنامه‌های بلندمدت برای این ماجرا داشته باشیم و الآن می‌توانیم زمینه‌های آن را فراهم کنیم. این کارشناس مسائل خاورمیانه افزود: از نظر تخصص و راه‌اندازی بسیاری از خطوط تلفن، برق‌رسانی، لوله گاز، ساختن سیلو و ساختن سد ما ظرفیت بسیار زیادی داریم و عربستان با توجه به جمعیت کمی که دارد، نیازمند این خدمات است؛ و متأسفانه از کسانی استفاده می‌کند که مردم عربستان رویکرد خوبی نسبت به آنها ندارند و از دیدگاه مردم عربستان جزء دشمنان اسلام محسوب می‌شوند. ما می‌توانیم از این طریق هم به عربستان کمک کنیم و هم درآمد بسیار خوبی از طریق صدور خدمانی فنی و مهندسی داشته باشیم.

## نگره

مذاکراتی که در سکوت نگه‌داشته شده

### توافق چه سودی دارد؟

منابع آگاه می‌گویند مقام‌های آمریکایی و ایران، مذاکرات پشت درهای بسته از جمله مذاکرات غیر مستقیم در عمان با هدف تنش‌زدایی در منطقه را انجام داده‌اند. با این وجود، هیچ یک از دو طرف به طور علنی در مورد ماهیت مذاکرات صحبت نکرده‌اند، مذاکراتی که پس از چنین تلاش ناموفق برای احیای برجام صورت گرفته است برجامی که قرار بود برنامه هسته‌ای ایران را در ازای لغو تحریم‌ها محدود سازد. ترامپ رئیس جمهور پیشین آمریکا پنج سال پیش ایالات متحده را از برجام خارج کرد و تحریم‌های یکجانبه‌ای را به عنوان بخشی از کارزار «فشار حداکثری» علیه ایران اعمال کرد.

**چرا مذاکرات مسکوت نگه داشته شده است؟**

کارشناسان می‌گویند که طرفین به جای آنکه انتظار حصول توافقی مانند برجام سال ۲۰۱۵ را داشته باشند به دنبال حصول توافقی کوتاه مدت با اهداف کلیدی هستند که بارها توافق بر سر آن با شکست همراه بوده است. این گفت‌وگوها نشانه از سرگیری دیپلماسی بین دو دشمن سنتی است. «محجوب زویری» مدیر مرکز مطالعات خلیج فارس در دانشگاه قطر اشاره می‌کند یکی از دلایل اصلی که دولت بایدن هرگونه توافقی در جریان مذاکرات با ایران را رد کرده آن است که رئیس جمهور آمریکا نمی‌خواهد در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال آینده چهره فردی را از خود به نمایش بگذارد که به ایران امتیاز داده است. او می‌افزاید: «آنان همچنین نمی‌خواهند اسرائیل متحد آمریکا به نیروهای مقاومت حمله کند زیرا ممکن است وضعیت منطقه‌ای را پیچیده کند.»

**آیا توافق موقتی در کار است؟**

این کارشناس مسائل ایران به الجزیره می‌گوید: «توافق اخیر بین ایران و ایالات متحده به ایران اجازه می‌دهد بدهی‌های معوقه را از عراق دریافت کند گامی مثبت برای ایران بود در حالی که برای ایالات متحده صرفا معکوس کردن روند پیشرفت‌های هسته‌ای تهران هدف اصلی در مقطع فعلی است.» زویری می‌گوید یک توافق کوتاه مدت «برای هر دو طرف خوب است» زیرا به نظر اعطای امتیازات بزرگی نخواهد بود و در عین حال وضعیت را خنثی می‌کند. یک توافق موقت هم چنین نیازی به تایید از سوی کنگره ایالات متحده ندارد زیرا بسیاری از نمایندگان کنگره مخالف اعطای امتیاز به ایران به دلیل کمک نظامی ادعایی آن کشور به روسیه هستند. زویری می‌گوید ارائه پهپادها از سوی ایران به روسیه غرب را آزرده خاطر ساخته و این یک «عارضه بزرگ» برای توافق بین ایران و غرب است.

**توافق چه سودی برای ایران دارد؟**

یک توافق بالقوه می‌تواند از افزایش تنش‌ها پیرامون توافق هسته‌ای در آینده نزدیک جلوگیری کند و طرفین غربی را از تلاش برای فعال سازی سازوکار «ماشه» برجام که برای بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه تهران در صورت نقض توافق طراحی شده باز دارد. هم چنین، ممکن است واشنگتن و متحدان اروپایی اش از پیشبرد هرگونه قطعنامه تنبیهی بیش‌تر در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران خودداری کنند. ایران همچنین می‌تواند انتظار داشته باشد که آمریکا میلیاردها دلار از دارایی‌های آن کشور را که در خارج از ایران مسدود شده با استفاده از معافیت‌های تحریمی آزاد کند با قید این شرط که صرفا می‌تواند برای اهداف بشردوستانه مورد استفاده قرار گیرد. رئیس بانک مرکزی ایران در اوایل هفته جاری در دوحه حضور داشت و نشان داد که قطر می‌تواند در تسهیل این روند مشارکت داشته باشد. روزنامه کره‌ای «اکانومیک دیلی» در ماه مه گزارش داد که کره جنوبی در حال مذاکره با آمریکا در مورد راه‌های احتمالی برای پرداخت ۷ میلیارد دلار نفت خریداری شده ایران است. پرداخت اخیر ۲. ۷۶ میلیارد دلاری بدهی گاز و برق عراق به ایران پس از دریافت معافیت تحریمی از سوی آمریکا صورت گرفت.

**توافق چه سودی برای ایالات متحده و متحدانش دارد؟**

ایران پس از خروج آمریکا از برجام فعالیت‌های هسته‌ای خود را افزایش داده و اعلام کرده که این اقدام نقض برجام نیست. به نظر می‌رسد که ایالات متحده از حفظ غنی سازی ایران در سطح فعلی راضی است به طوری که نیویورک تایمز گزارش می‌دهد که ایالات متحده از ایران می‌خواهد اورانیوم را بیش از سطح ۶۰ درصد فعلی غنی سازی نکند. اورانیوم با درجه تسلیحات باید دارای خلوص ۹۰ درصد باشد. حرکت به سمت اورانیوم با درجه تسلیحاتی یک گام فنی کوتاه است اما نهادهای اطلاعاتی غربی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده‌اند که هیچ مدرکی دال بر حرکت ایران به آن سمت ندیده‌اند. اگر آمریکا برخی از دارایی‌های اقتصادی ایران را آزاد کند ممکن است سه زندانی ایرانی - آمریکایی نیز آزاد شوند. دو ایرانی بازداشت شده بریتانیایی سال گذشته با پرداخت بدهی ۴۰۰ میلیون پوندی (۵۱۳ میلیون لاری) بریتانیا به تهرانکه مربوط به پیش از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ میلادی بود، آزاد شدند.

## کوتاه

### میانجیگری پکن اتفاق خوبی بود

وزیر امور خارجه آمریکا با تلاش برای توجیه نفوذ رو به افول این کشور در عرصه دیپلماتیک در مناسبات کشورهای خاورمیانه و با اشاره به میانجیگری پکن برای ازسرگیری روابط تهران- ریاض، گفت: از تلاش‌های دولت چین برای ارتقای صلح و حل مشکلات منطقه حمایت می‌کند. میانجیگری پکن برای ازسرگیری روابط تهران- ریاض اتفاق خوبی بود. اگر چین ابتکاراتی انجام دهد که واقعا به حل مشکلات و گسترش صلح کمک کند، اتفاق خوبی است و ما از آن حمایت می‌کنیم. همین که آن‌ها میزبان دور آخر گفت‌وگوها میان ایران و عربستان سعودی بودند که بیش از دو سال در جریان بود و نتیجه توافقی شد که حداقل امکان کاهش تنش‌ها میان آن‌ها و حل یکی از مشکلات بسیاری را دارد که ایران ایجاد کرده است. اگر چین به موقع نقش سازنده‌ای ایفا کند و بتواند به پیدا کردن راهکاری منصفانه و پایدار در اوکراین و پایان دادن به تجاوز روسیه کمک کند هم اتفاق خوبی خواهد بود.